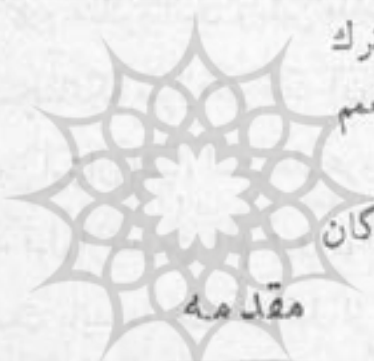


## بخش چهارم - بحور تازه تر

- فصل اول - بحر باعث  
 فصل دوم - بحر مستر  
 فصل سوم - بحر اخرس  
 فصل چهارم - بحر معین  
 فصل پنجم - بحر میهم  
 فصل ششم - بحر قاطع  
 فصل هفتم - بحر مستعمل  
 فصل هشتم - بحر مصنوع  
 فصل نهم - بحر هم مل  
 فصل دهم - بحر معکوس  
 فصل یازدهم - بحر مشترک  
 فصل دوازدهم - بحر معمم  
 خلاصه و پایان کتاب  
 فهرست اشعار و گویندگان



## مقدمه

چون برای هر که بخواهد بزبان فارسی شعر بسازد گذشته از قریحه که بخش خداداد است لازم است باوزان شعری آگاهی داشته باشد و بتازگی در این فن کتابی که بزبان عصری و در خوار فهم عامه و جامع باشد نوشته نشده و چند کتابی هم که سابقاً نوشته شده یا نایاب و یا کمیاب است و در صورت دسترسی هم کامل و جامع نیست لذا با اطلاعات محدود و بضاعت مزاجه و اقتباس از کتاب المعجم فی معاییر اشعار العجم ، تألیف شمس الدین محمد بن قیس رازی و دره نجفیه تألیف مرحوم نجفقلی میرزا و سایر کتب و رسائل و جزواتی که از گوشه و کنار بر اثر تفحص بسیار بدست آمده و آنچه از اساتید فن شنیده و بنظرم میرسد این مختصر را بنام « آهنگ سرواد » مرتب نموده در دسترس خوانندگان گرامی میگذارم .

تمنا دارم خوانندگان محترم ضمن بررسی اگر مدارکی بدست می‌آورند کمک فرموده چنانچه کمبودی دارد و یا اشتباهی شده باشد تذکر فرمایند تا بهمت ایشان علم عروض که جزو علوم لازمه شعری است و بکلی فراموش شده بصورت تازه و عصری بطور کامل و جامع درآید و از نو احیاء گردد.

## باب اول

( دانستنیهای لازمه )

### فصل اول - در تعریف علم عروض

علم عروض میزان کلام منظوم است و باین مناسبت آنرا عروض گویند که شعر بر آن عرضه میشود همچنانکه متر و مفرعات آن وسیله تعیین مساحت و کیلو و جزئیات آن وسیله تعیین اوزان اشیاء است علم عروض نیز وسیله شناختن اوزان اشعار است - اگر بگویند قبل از تدوین علم عروض اشعار ساخته میشده لذا علم عروض مورد احتیاج نیست باید دانست که قبل از متر و کیلو مساحت و وزن بوده ولی این سبقت وجود لازمه اش عدم لزوم متر و کیلو نیست بلکه مؤید لزوم آنهاست - مادامیکه شعر وجود دارد علم عروض برای شناختن صحیح و سقیم آن ( در وزن ) لازم است بلکه شناختن شعر واجب نیست ولی شناختن شعر ساخته شده لازم میباشد .

### فصل دوم - مایه - پایه - میانه

سخن پارسی ۱۴ آهنگ دارد که نه گونه آنرا قدهاء بدین ترتیب یاد کرده اند .

الف - اسباب ( مایه ها ) که سه نوع است :

۱ - اول سبب خفیف ( مایه سبک ) مانند از، بر، سر ( یک متحرک یک ساکن ) .